

## ۶

# امنیتی کردن پدیده مهاجرت توسط احزاب راست‌گرا و تأثیر آن بر انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا (۲۰۱۹-۲۰۰۹)

الهام رسولی ثانی آبادی<sup>۱</sup>  
صدیقه موسوی<sup>۲</sup>

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲  
<sup>۱</sup>. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد [Rasooli@yazd.ac.ir](mailto:Rasooli@yazd.ac.ir)  
<sup>۲</sup>. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل [Sedighe.msv1992@gmail.com](mailto:Sedighe.msv1992@gmail.com)

## چکیده

در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای اروپایی، احزاب جناح راست توانسته‌اند از موضوع مهاجرت به‌عنوان یک «ساختار فرصت» در احیا و تقویت خود استفاده کرده و با استفاده از فرایند «امنیتی کردن» و خارج کردن این موضوع از حوزه «مسائل عمومی» به «مسائل امنیتی» در انتخابات پارلمان اروپا به موفقیت‌های بزرگی دست یابند. با توجه به این مسئله، سؤال اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین عامل موفقیت فرایند امنیتی کردن موضوع مهاجرت توسط این احزاب و به‌تبع آن پیروزی در انتخابات پارلمان اروپا در بازه‌ی زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ چه بوده است؟ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که گفتمان «ضدمهاجرت» و عناصر معنایی شکل‌دهنده به آن، نقش مهمی در موفق بودن این احزاب در فرایند امنیتی کردن موضوع مهاجرت داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این احزاب، با استفاده از استراتژی‌هایی چون: «برجسته‌سازی موضوع مهاجرت به‌عنوان یکی از شکایات اعتراضی، امنیتی‌سازی آن و تبلیغات سیاسی در جهت عادی‌سازی گفتمان ضدمهاجرتی»، به موفقیت انتخاباتی در سه دوره موردبررسی رسیده‌اند. این پژوهش به لحاظ روش، مبتنی بر بررسی موردی به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی است. در این پژوهش فرایند امنیتی شدن در مکتب کپنهاگ به‌عنوان چهارچوب نظری در نظر گرفته شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی و استفاده از منابع مجازی است.

• واژگان کلیدی

امنیتی شدن، مهاجرت، احزاب راست‌گرا، اتحادیه اروپا.

## مقدمه

در سه دهه‌ی اخیر، احزاب و جریان راست افراطی روند رو به رشدی را در کشورهای اروپایی آغاز کرده‌اند، به‌گونه‌ای که در دو دهه اخیر، شاهد چرخش یک محور چپ به راست در رقابت‌های انتخاباتی هستیم. این احزاب به‌عنوان احزاب پوپولیستی، وقوع هر بحرانی را فرصتی برای ورود به صحنه‌ی سیاست می‌دانند و با ادبیات و لغاظی‌های پوپولیستی، سعی در همراه ساختن آرا بخشی از جامعه که در معرض آسیب این بحران‌ها قرار گرفته‌اند، دارند. در ادبیات حزبی، تعریف و نام واحدی برای طیف گسترده‌ی احزاب و جنبش‌های راست افراطی وجود نداشته و این عدم اجماع بر سر نامیدن جریان راست، ناشی از گستره‌ی متنوع ایدئولوژیکی و طیف وسیع این احزاب از آغاز شکل‌گیری تا تداوم شکل تعدیل‌یافته‌تر آن در دوره‌ی جدیدتر است. این احزاب با نام‌های بسیار متفاوتی خوانده می‌شوند که همه این اسامی برخی گرایش‌های مشترک را پوشش داده و راست افراطی را توصیف می‌کنند (Anastasakis, 2000:4). در همین ارتباط دانشمند علوم سیاسی کاس مود، در بیست و شش تعریفی که از راست افراطی بررسی کرده است، حداقل پنجاه و هشت مؤلفه متفاوت را در کنار پنج وجه مشترک یافته است، این وجوه عبارت‌اند از: «ملی‌گرایی، نژادپرستی، بیگانه‌هراسی، ضدیت با دموکراسی و حمایت از دولت قوی» (Mudde, 1999:206).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایدئولوژیکی احزاب و جنبش‌های راست افراطی، صرف‌نظر از اینکه در کدام طیف یا دسته جای می‌گیرند، نارضایتی از مهاجران و سیاست‌های مهاجرتی مصوب توسط دولت‌های اروپایی است. در همین راستا، این احزاب با استفاده از برجسته‌سازی مشکلات ناشی از مهاجرت و گفتمان مهاجرستیزی توانسته‌اند با نهادینه‌سازی و القای حس ترس و بی‌اعتمادی نسبت به مهاجران خارجی، خود را مدافع حقوق شهروندانی معرفی کنند که توسط گروه مهاجران، به حاشیه رانده شده‌اند.

در همین زمینه، مروری بر انتخابات دو دهه‌ی گذشته اروپا نشان می‌دهد این احزاب موفقیت‌های بسیاری را در سطوح محلی، ملی و اروپایی در کشورهای مختلف نظیر فرانسه، ایتالیا، مجارستان، اتریش، سوئد، هلند و فنلاند به دست آورده‌اند. نمایش قدرتمند احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا طی سه دوره اخیر از ۲۰۱۴ - ۲۰۰۹ و ۲۰۱۹ - ۲۰۱۴ و ۲۰۲۴ - ۲۰۱۹، نشان از پیشتازی‌های جریان راست افراطی و ملی‌گرایان در برخی از کشورهای اروپایی دارد. نمونه برجسته

این احزاب، حزب اجتماع ملی فرانسه<sup>۱</sup> به رهبری مارین لوپن<sup>۲</sup> است که توانسته در سه دوره اخیر از انتخابات پارلمان اروپا، حمایت انتخاباتی ثابت و پایداری را از خود نشان دهد؛ بنابراین سؤال اصلی و سؤالات فرعی این پژوهش عبارت انداز:

سؤال اصلی: مهم‌ترین عامل موفقیت فرایند امنیتی کردن<sup>۳</sup> موضوع مهاجرت توسط این احزاب و به تبع آن پیروزی در انتخابات پارلمان اروپا در بازه‌ی زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی این پژوهش آن است که گفتمان «ضدمهاجرت» و عناصر معنایی شکل‌دهنده به آن، نقش مهمی در موفق بودن این احزاب در فرایند امنیتی کردن موضوع مهاجرت داشته است. سؤال فرعی: گفتمان ضدمهاجرت چیست و مهم‌ترین عناصر معنایی شکل‌دهنده به آن کدامند؟ این پژوهش برای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده به این شرح سازمان‌دهی شده است: بررسی چهارچوب نظری امنیتی شدن، بررسی عناصر شکل‌دهنده به گفتمان ضدمهاجرت و بررسی ارتباط میان گفتمان ضدمهاجرت و موفقیت احزاب راست‌گرا در انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا.

#### ۱- چهارچوب نظری: مکتب کپنهاگ و فرایند امنیتی شدن

امنیتی کردن یکی از مفاهیم مهم مکتب کپنهاگ<sup>۴</sup> است و به معنای خارج کردن یک پدیده از «حوزه عمومی» و وارد کردن آن به حوزه مسائل «ویژه و امنیتی» است (Waever 1996: 29)؛ بنابراین مکتب کپنهاگ با رد عینی بودن مسئله امنیت، امنیت را موضوعی «بین‌ذهنی»<sup>۵</sup> تلقی می‌کند، به این معنا که امنیت می‌تواند میان بازیگر امنیتی ساز<sup>۶</sup> و مخاطب<sup>۷</sup> وی ساخته شود؛ بنابراین چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. بدین ترتیب آنچه در این میان مهم است، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب اوست. در همین رابطه، بری بوزان<sup>۸</sup> امنیتی ساختن را نسخه نهایی سیاسی شدن می‌پندارد، به نظر وی موضوعات می‌توانند به سه دسته تقسیم شوند: «موضوعات غیرسیاسی»؛ یعنی موضوعاتی که دولت با آنها سروکار نداشته و از هیچ طریقی ضرورت بحث و تصمیم‌گیری را به وجود نمی‌آورد. دوم «موضوعات

1. National Rally (RN; Rassemblement national)

2. Marine Le Pen

3. Securization

4. Copenhagen School

5. Intersubjective

6. Securization actor

7. Audience

8. Barry Buzan

سیاسی شده»؛ یعنی موضوعاتی که بخشی از سیاست عمومی‌اند و به تصمیم دولت و اختصاص منابع نیازمندند و نهایتاً «موضوعات امنیتی شده»؛ یعنی موضوعاتی که تهدید وجودی مطرح شده‌اند و نیازمند اقدامات ضروری خارج از فرایند سیاسی هستند (Buzan, Waever and Wilde 1998: 21-26). از نظر بوزان و همکارانش هر مسئله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد؛ به شرطی که بتوان آن را به نقطه‌ای رساند که در نقش تهدید وجودی پذیرفته گردد. در همین راستا مهم‌ترین عناصر اصلی در نظریه امنیتی شدن عبارت‌اند از:

- بازیگر/امنیتی ساز: بازیگر امنیتی ساز بازیگری است که اقدام به امنیتی کردن یک موضوع خاص می‌کند. این بازیگر بایستی از سرمایه اجتماعی کافی برخوردار بوده و در موقعیت اقتدار نیز باشد. از نظر مکتب کپنهاگ هر کسی می‌تواند پدیده‌ای را امنیتی سازد. مثلاً مطبوعات و یا گروه‌های سیاسی (بوزان ۱۳۷۸).
- کنش‌گفتاری<sup>۱</sup>: به‌طور کل موفقیت در امنیتی ساختن هر پدیده به کاربرد موفقیت‌آمیز قواعد سازنده هر اقدام گفتاری بستگی دارد. در این زمینه بایستی به توان متفاوت بازیگران امنیتی ساز برای بیان ادعای مؤثر و نهایتاً پذیرفته شدن این ادعا از سوی مخاطب اشاره کرد (بوزان ۱۳۷۸). به عبارت دیگر، امنیتی کردن موضوعات به‌عنوان مجموعه‌ای از گفتارها تلقی می‌شود که اجزای این گفتار می‌تواند شامل ادعا کردن، هشدار دادن و یا ایجاد تقاضا از سوی بازیگر امنیتی ساز باشد (Vuori, 2008: 75).
- مخاطب: مرحله نهایی فرایند امنیتی ساختن، پذیرش مخاطب است. به عبارت دیگر، امنیتی شدن وقتی کامل می‌گردد که از سوی مخاطب موردپذیرش قرار گیرد. خود این پذیرش می‌تواند آمیزه‌ای از زور و یا رضایت باشد (Waever, 1996: 29).

در همین زمینه، می‌توان این‌گونه بیان کرد که هرچقدر بحران ایجادشده و موضوع امنیتی شده مخاطب را در مورد آسیب‌پذیری‌اش دچار حساسیت بیشتری کند، آن‌گاه سخنان هشداردهنده بازیگر امنیتی ساز پاسخ مناسب مخاطب را ایجاد کرده و فرایند امنیتی شدن موفق‌تر خواهد بود. بدین ترتیب موفقیت امنیتی شدن تا حد زیادی به توانایی بازیگر امنیتی ساز در شناخت احساسات، نیازها و منافع مخاطب و همچنین ایجاد درک و آگاهی مشترک و متقابل میان بازیگر امنیتی ساز و مخاطب بستگی دارد. بر این اساس، چالش اصلی یک بازیگر امنیتی ساز متقاعد ساختن مخاطب است، بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که امنیتی ساختن مخاطب محور است.

<sup>۱</sup>. Speech act

## ۲- بررسی عناصر شکل دهنده به گفتمان ضد‌مهاجرت راست افراطی

افراط‌گرایی پوپولیستی<sup>۱</sup>، راست افراطی<sup>۲</sup>، راست رادیکال جدید<sup>۳</sup>، راست رادیکال<sup>۴</sup>، جناح راست پوپولیست<sup>۵</sup>، راست رادیکال پوپولیست<sup>۶</sup>، احزاب ضد‌مهاجرت<sup>۷</sup> و نئوفاشیست همگی واژگان متفاوتی هستند که برای نامیدن جریان راست افراطی به کار می‌روند (Hainsworth, 2008). این احزاب دارای ویژگی‌های متفاوتی از جمله پوپولیسم، بومی‌گرایی، بیگانه‌هراسی، ضدیت با مهاجرت، ضد‌چندفرهنگی و تأکید بر فرهنگ و ارزش‌های ملی، مخالفت با اتحاد اروپا و یکپارچگی اروپایی، مخالفت با ساختار حاکم و جریان اصلی، مخالفت با دموکراسی نمایندگی، ضد جهانی شدن، ضد دموکراسی و اقتدارگرایی، بیزاری از زمان حال به‌عنوان دوره زوال و نوستالژی دوران طلایی گذشته و اسلام‌هراسی هستند (Mohammadi & Nourbakhsh, 2017: 146).

این احزاب هم‌چنین دو ویژگی اصلی مشترک دارند: آن‌ها اصل برابری انسانی را رد می‌کنند و از این‌رو، از سیاست‌های طردکننده نسبت به مهاجرت و گروه‌های اقلیت حمایت می‌کنند و دوم آن‌ها که آن‌ها به یک استراتژی پوپولیستی پایبند هستند که به شدت از احزاب جریان اصلی انتقاد می‌کند و موضع آن نسبت به دموکراسی نمایندگی لیبرال اگر خصمانه نباشد، مبهم است (Goodwin, 2011: 1).

محققان راست افراطی، معمولاً بر ایدئولوژی تمرکز کرده‌اند. کاس مود بر این باور است که احزاب راست افراطی از نظر ایدئولوژی یا رادیکال یا افراطی هستند. رادیکالیسم خواستار اصلاح «ریشه‌ای و شاخه‌ای» سیستم سیاسی و اقتصادی است اما صراحتاً به دنبال حذف دموکراسی نیست. در مقابل، افراط‌گرایی مستقیماً با دموکراسی مخالف است (Mudde, 2010: 1169). در ادامه به مهم‌ترین ویژگی‌های این احزاب خواهیم پرداخت، نکته قابل توجه آنکه برخی از این ویژگی‌ها مستقیماً به گفتمان ضد‌مهاجرت این احزاب شکل داده و موجب تقویت آن می‌شود.

1. Populist Extremism

2. Extreme\_Right

3. New Radical Right

4. Radical Right

5. Right-Wing Populist

6. Populist Radical Right

7. Anti-Immigration Parties

## ۱-۲. رویکرد پوپولیستی

پوپولیسم سه ویژگی کلیدی دارد: نخست این که پوپولیسم مستقیماً مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و نمایندگان و شخصیت‌های عمده آن‌ها را نادیده می‌گیرد؛ دوم این که از لفاظی‌های مبتنی بر هویت بهره می‌گیرد و ترجمان ترس از بیگانگان و طرد آن‌هاست و در نهایت این که پوپولیسم بر این باور است که حکومت‌ها و نخبگان مستقر بیشتر متأثر از منافع خصوصی خود هستند؛ تا این که دغدغه‌ی منافع عموم مردم را داشته باشند. پوپولیسم، اساساً ضدنخبگان است و وضعیت تأثرآور مردم کف خیابان را می‌ستاید و بر ارتباط مستقیم با مردم عادی تمرکز می‌کند. پوپولیسم یک جهان‌بینی قطبی سفید و سیاه به وجود می‌آورد که بر پایه‌ی آن، مردم بی‌دفاع در برابر نخبگان بی‌کفایت و حتی فاسدی که کاست جداگانه‌ای را شکل داده‌اند، قرار می‌گیرند و آن‌ها را به چالش می‌کشند (Giusto, 2013:52).

## ۲-۲. ضدنخبه‌گرایی و نگاه به دموکراسی

احزاب راست افراطی بیشتر تلاش می‌کنند تا خود را خارج از نظام موجود و به‌عنوان احزاب مورد ظلم قرار گرفته‌ای نشان دهند که نماینده اکثریت خاموش هستند؛ نماینده‌ای که خواستار پرداختن به مسائل کلیدی غرب یعنی مهاجرت و ادغام مسلمانان است. در این راستا، احزاب راست افراطی نوعی عمومی‌سازی افراطی دموکراسی را تبلیغ می‌کنند به‌نحوی که از آنان گاه به‌عنوان جریان «دموکراسی افراطی»<sup>۱</sup> نام‌برده می‌شود (Guibernau, 2010:10).

بنابراین تفکر این احزاب در درک رادیکال از دموکراسی و بدبینی نسبت به نهادهای حکومت نمایندگی دارد که از حکومت مستقیم مردم جلوگیری به عمل می‌آورند. از این منظر، پوپولیسم یک درک مبهم از دموکراسی است که بر عناصر دموکراسی مستقیم مانند فراندوم تأکید دارد تا ساختارهای دموکراسی نمایندگی. مردم باید حاکم بر سرنوشت خودشان باشند و نهادهای میانجی مانند احزاب سیاسی و پارلمان ابزارهای ثانوی بوده و موانع تحقق دموکراسی حقیقی می‌باشند (Wodark, 2013).

این احزاب همچنین ضدنخبه‌گرایی و کثرت‌گرایی هستند. پوپولیسم براساس تقسیم جامعه به دو بلوک قدرت مردم پاک و نخبگان فاسد، نخبگان وابسته به نظام را فاسد و الیگارشسی تلقی می‌کند و برخلاف نخبه‌سالاری، مردم را از نظر اخلاقی برتر می‌داند. جریان راست افراطی با این رویکرد ضدنخبه-گرا مدعی جایگزین ساختن ارزش‌های حاکم با «درک مشترک مردم» است (Ignazi, 1995). در اروپا،

<sup>۱</sup>. Hyper Democracy

نخبگان معمولاً شامل احزاب سیاسی حاکم، روشنفکران، طبقات بالای اقتصادی و رسانه‌ها هستند. این گروه‌ها برای ارتقا ارزش‌های لیبرالی مرتبط با فردگرایی، چندفرهنگی و بین‌المللی‌گرایی و تبانی برای دور نگه داشتن مردم از قدرت هدف قرار می‌گیرند. این گروه‌ها در پوپولیسم مسئول تمام بیماری‌های جامعه هستند (Golder, 2016).

کثرت‌گرایی، جامعه را متشکل از گروه‌های متعددی می‌داند که منافع مختلف آن‌ها باید از طریق یک روند چانه‌زنی با یکدیگر سازگار شود. در مقابل پوپولیسم، این تصور که اختلافات معناداری در مردم وجود دارد را رد می‌کند و بنابراین نیاز به سازش را انکار می‌کند. نتیجه این است که پوپولیسم تمایل به ساده‌سازی مسائل سیاسی دارد، آن‌ها را به سیاه‌وسفید تقسیم می‌کند و به دنبال پاسخ‌های آری و خیر است (Eatwell and Mudde, 2004).

### ۲-۳. مخالفت با پروژه هم‌گرایی اروپایی و تلاش برای خروج از حوزه پولی یورو

در میان طیف وسیع احزاب اروپایی، احزاب راست افراطی در مجموعه ناقدان شدید هم‌گرایی اروپایی قرار می‌گیرند. مؤلفه‌های اصلی این گروه، علاوه بر مخالفت با مهاجرت، ملی‌گرایی افراطی و مخالفت با مظاهر هم‌گرایی اروپایی که به کم‌رنگ شدن مظاهر ملی‌گرایی منجر می‌گردد است (بزرگمهری، ۴۳۶: ۱۳۹۱).

به‌طور کلی احزاب راست افراطی در قبال هم‌گرایی اتحادیه اروپا از سه الگوی ویژه پیروی می‌کنند: «الگوی مخالفت کامل»؛ «الگوی موافقت مشروط» و «الگوی مصالحه». در الگوی مخالفت کامل، هرچند احزاب راست افراطی با خصوصیات تاریخی، مذهبی و فرهنگی مشترک در بین کشورهای اروپایی موافق هستند؛ اما با همکاری در درون چارچوب اتحادیه اروپا و ساختارهای نهادی و سیاسی کاملاً مخالف هستند و در برابر شکل‌گیری یک جامعه سیاسی اروپایی مقاومت می‌کنند. هدف عمده آن‌ها تغییر جریان قدرت به سود دولت-ملت‌ها و بازگرداندن حاکمیت نهادهای ملی و مخالفت با نظام حکمرانی اتحادیه اروپا است. در الگوی مشروط، موضوعاتی مثل میراث مشترک مردم اروپا و پذیرش مبانی همکاری مطرح است اما با سیاست‌های کنونی و هم‌چنین ساختار اتحادیه اروپا مخالفت می‌شود. این الگو خواستار وجود همکاری در سطح اروپا تا آنجایی است که نهادهای فراملی موجب از بین رفتن حاکمیت دولت‌ها نشود. الگوی مشروط متضمن مخالفت با تصمیم‌گیری توسط نهادهای ملی و موافق اصلاحات با هدف تضمین حاکمیت ملت‌ها است. در الگوی مصالحه، احزاب راست‌گرا با فرهنگ مشترک اروپایی موافق هستند و از مبانی و شیوه‌های هم‌گرایی حمایت می‌کنند اما مخالف



ایجاد یک واحد سیاسی اروپایی هستند. در این الگو، احزاب افراطی بر این باور هستند که همگرایی اروپایی ضرورتاً ایده خوبی نیست اما برخی از ابعاد آن می‌تواند به سود دولت‌ها باشد. واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری به اتحادیه اروپا چندان مورد پذیرش نیست؛ باین‌حال، هم‌گرایی اقتصادی برای کشورها ضروری تلقی می‌شود (Vasilaopoulon, 2011: 232-238).

## ۲-۴. ملی‌گرایی<sup>۱</sup> و تأکید بر حفظ سازه‌های هویتی

احزاب راست افراطی نگرش انحصاری به تابعیت و حقوق شهروندی دارند و در همین راستا، راست رادیکال جدید از ایده «قلعه اروپا»<sup>۲</sup> حمایت می‌کند، چراکه با دیدگاه آن‌ها در مورد حفاظت از فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و همچنین رونق اقتصادی سازگار است (Guibernau, 2010: 15).

در همین راستا، احزاب راست افراطی با مطرح ساختن استدلال‌های ضد‌مهاجرتی پیرامون دفاع از ارزش‌ها و هویت ملی و بازبایی و تداوم سازه‌های هویتی، بر ملی‌گرایی تأکید و سیاست چندفرهنگ‌گرایی را نقد می‌کنند. آن‌ها از طریق گفتمان بیگانه‌هراسی قومی - ملی‌گرایانه قصد دارند با یکسان‌سازی، بازگشت به ارزش‌های سنتی و حذف هر گروهی که گفته می‌شود اکثریت جامعه را تهدید می‌کند به تقویت ملت پردازند (Griffin, 2000: 165).

بنابراین رهبران پوپولیست احزاب راست افراطی از مفهوم قلب سرزمین<sup>۳</sup> برای تشویق مردم برای ملی‌گرایی استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند تلاشی برای احیای شکوه ازدست‌رفته و حس گذشته - گرایایی نسبت به جهان ایده‌آل گذشته را بر پایه ارزش‌های قومی و فرهنگی زنده کنند، وی هم‌چنین به این نکته اشاره می‌کند که چندفرهنگ‌گرایی و روند هم‌گرایی اروپا در تضاد با مفهوم هارتلند قرار دارد و مهاجرت فارغ از هرگونه منافع احتمالی برای کشور میزبان در تقابل با ملی‌گرایی مورد تأکید این احزاب قرار می‌گیرد (Taggart, 2003).

## ۲-۵. بومی‌گرایی<sup>۴</sup>

اصطلاح «بومی‌گرایی» نقش برجسته‌ای را در گفتمان و جهت‌گیری‌های برنامه‌ای احزاب راست افراطی ایفا می‌کند. در ادبیات پوپولیستی، مردم جمعیت بومی در نظر گرفته می‌شوند و براساس مؤلفه‌های فرهنگی مانند مذهب، نژاد، قومیت و ارزش‌های ملی مشترک مانند تاریخ، زبان، اسطوره‌ها

1. Nationalism

2. Castle of Europe

3. Heartland

4. Nativism

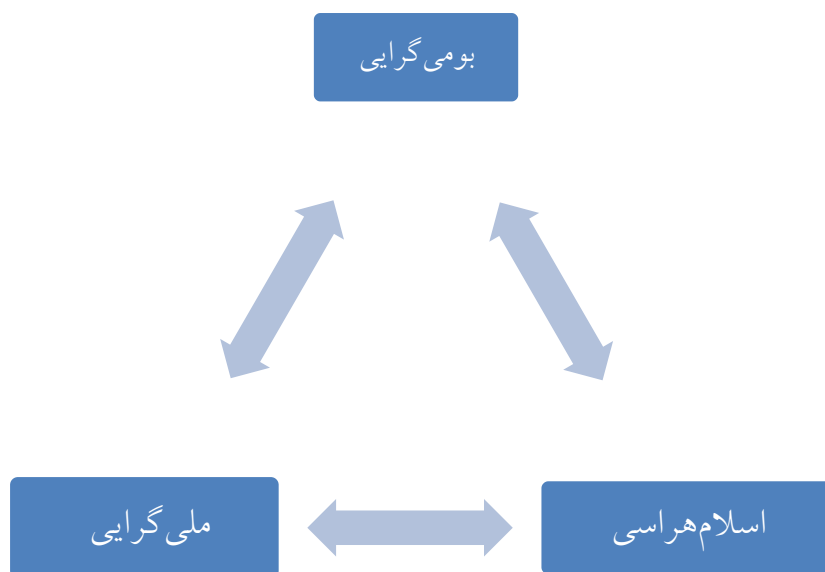
و... شناسایی می‌شوند. تصور این است که یک کشور باید تنها سکونت‌گاه اعضای اجتماعات قومی محلی خود باشد زیرا تمامی عناصر خارجی (هم اشخاص و هم ایده‌ها) باعث تضعیف دولت ملت می‌شوند (Mudde, 2010: 1173). بومی‌گرایی معتقد است که همه نژادها «برابر اما متفاوت» هستند و ترجیح بومی بر غیربومی صرفاً به دلیل بومی بودن آن است (Michaels, 1995: 67). بنابراین، راست افراطی معتقد است شهروندان اروپایی باید در دسترسی به رفاه اجتماعی و حفاظت از فرهنگ و زبانشان اولویت داشته باشند نه خارجی‌ها و مهاجران. از دید راست افراطی، حق شهروندی باید خط پرننگی بین آن‌هایی که به تمدن و جامعه غرب تعلق دارند و آن‌هایی که ندارند باشد و آن‌هایی که عضو چنین جامعه‌ای نیستند نباید از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با حق شهروندی برخوردار شوند. در این چارچوب، راست افراطی خود را مدافع حقوق شهروندانی می‌داند که در جوامع خود به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر گشته‌اند (Guibernau, 2010: 12).

## ۲-۶. اسلام‌هراسی

مسلمانان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت دینی، اکثریت جامعه‌ی مهاجران اروپا را تشکیل می‌دهند. وقوع حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حملات تروریستی در کشورهای اروپایی، تغییر نگرش و موضع‌گیری‌های سختگیرانه‌تری را نسبت به مسلمانان اروپا به همراه داشته است. بر همین اساس، برخی از گروه‌های راست افراطی بر این باور هستند که در مخالفت با مهاجرت، مسائل هویتی و فرهنگی بر مسائل نژادی اولویت و اهمیت بیشتری دارد. از دیدگاه راست‌گرایان، مسلمانان تهدیدی جدی علیه فرهنگ و ارزش‌های ملی این جوامع تلقی می‌شوند. یکی از استدلال‌های اساسی راست افراطی علیه جامعه مسلمانان در اروپا، این بوده که اسلام تنها یک دین به حساب نمی‌آید بلکه یک ایدئولوژی تمامیت‌خواه تلقی می‌شود (Tasci, 2019: 13).

امروزه تروریسم و بنیادگرایان اسلامی به‌عنوان چهره جدید دشمن در گفتمان پوپولیستی راست-گرا جایگزین شده است. این احزاب، افرادی که از خاورمیانه به اروپا مهاجرت می‌کنند را مهاجر و پناهنده نمی‌دانند، بلکه آن‌ها را متجاوزانی علیه سنت مسیحی اروپا در نظر می‌گیرند (Ratkovic, 2017: 6). از میان ویژگی‌های نام‌برده شده بالا می‌توان ویژگی‌های زیر را به‌طور خاص به‌عنوان عناصر معنایی شکل‌دهنده به گفتمان ضد‌مهاجرت راست افراطی در نظر گرفت.

شکل شماره ۱: عناصر شکل‌دهنده به گفتمان ضد مهاجرت راست افراطی



منبع: نویسندگان

### ۳- میزان موفقیت احزاب راست‌گرا در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا (۲۰۰۹-۲۰۱۹)

برای شناخت بیشتر چگونگی فرایند امنیتی کردن موضوع مهاجرت توسط احزاب راست و تأثیر آن بر میزان موفقیت این احزاب در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا، ابتدا لازم است به بررسی میزان موفقیت احزاب راست در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا ۲۰۱۹ - ۲۰۰۹ بپردازیم.

انتخابات پارلمان اروپا، یکی از گسترده‌ترین انتخابات جهان است که هر پنج سال یکبار انجام می‌شود و شهروندان کشورهای عضو این امکان را در اختیار دارند تا نمایندگان خود را در یک بازه پنج‌ساله انتخاب کنند. این انتخابات از دو جهت بسیار مهم است: تنها انتخاباتی است که ماهیتی واقعاً فراملی دارد و دوم اینکه چندزبانه است. در واقع انتخاباتی است که اعضای بزرگ‌ترین پارلمان منتخب دموکراتیک جهان را برای پنج سال آینده انتخاب می‌کند. پارلمان اروپا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجامع دموکراتیک در جهان، دارای ۷۵۱ کرسی است که نمایندگان راه‌یافته به پارلمان نه براساس کشور، بلکه بر مبنای جناح سیاسی که به آن تعلق دارند کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. از سال ۱۹۷۹، پارلمان اروپا تنها نهاد اتحادیه اروپا است که نمایندگان آن در انتخابات عمومی، مستقیم، آزاد و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. هم‌چنین، تنها نهادی است که با امضای معاهدات، به‌ویژه معاهده لیسبون، قدرت آن به‌طور مداوم افزایش یافته است. تعداد نمایندگان هر کشور در پارلمان متناسب با جمعیت

آن در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال آلمان به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور اروپایی با جمعیت ۸۳,۲ میلیون نفر، بیش از سایر کشورها در پارلمان ایفای نقش می‌کند. فرانسه، ایتالیا و اسپانیا به ترتیب بالاترین شمار نماینده را دارند. این در حالی است که کشورهای کوچک‌تر مانند مالت، لوکزامبورگ، اسلوونی، قبرس، استونی و لتونی سهم کمتری از نمایندگان را در پارلمان دارند (Bressanelli, 2012:740).

در پارلمان همه جریان‌های سیاسی مهم اتحادیه که طیفی از «چپ افراطی» تا «راست افراطی» را در برمی‌گیرد، به‌عنوان نماینده رسمی یک حزب سیاسی در پارلمان اروپا به شمار می‌روند. شناخت احزاب مهم در هر گروه سیاسی نشان‌دهنده میزان نفوذ هر یک از احزاب ملی در پارلمان اروپا است. ترکیب سیاسی اتحادیه اروپا شامل گروه‌های سیاسی «حزب مردم اروپا»<sup>۱</sup>، «اتحاد مترقی سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها»<sup>۲</sup>، «اتحاد لیبرال‌ها و دموکرات‌ها برای اروپا»<sup>۳</sup>، «سبزها - اتحاد آزاد اروپا»<sup>۴</sup>، «محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپایی»<sup>۵</sup>، «چپ متحد اروپایی - چپ سبز شمال اروپا»<sup>۶</sup>، «گروه آزادی و دموکراسی اروپا»<sup>۷</sup> و «اعضای غیروابسته»<sup>۸</sup> می‌شود. در این میان اتحاد‌های پوپولیستی جناح راست در دو طیف «میانه و افراطی»، در سه گروه هستند: «حزب مردم اروپا»، «محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپایی»، «اروپای آزادی و دموکراسی» (The political groups- European Parliament, 2019)

جدول شماره ۱: سطوح سازمان‌های حزبی اروپایی و نهادهای سیاسی مربوط به آن‌ها

سطح	سازمان حزبی	نهاد (های) سیاسی
ملی	احزاب سیاسی ملی	دولت‌ها و پارلمان‌های ملی
بین‌دولتی	فدراسیون‌های احزاب بین‌دولتی	شورای وزیران، شورای اروپا
فراملی	گروه‌های احزاب فراملی	کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا

Source: Van Hecke, 2010

1. Epp (European People's Party)

2. S&D (Socialists and Democrats)

3. ALDE (Alliance of Liberals and Democrats for Europe Party)

4. Greens/EFA (Greens-European Free Alliance)

5. ECR (European Conservatives and Reformists Group)

6. GUE/NGL (European United Left-Nordic Green Left)

7. EFD (Europe of Freedom and Democracy)

8. Non-Attached Members

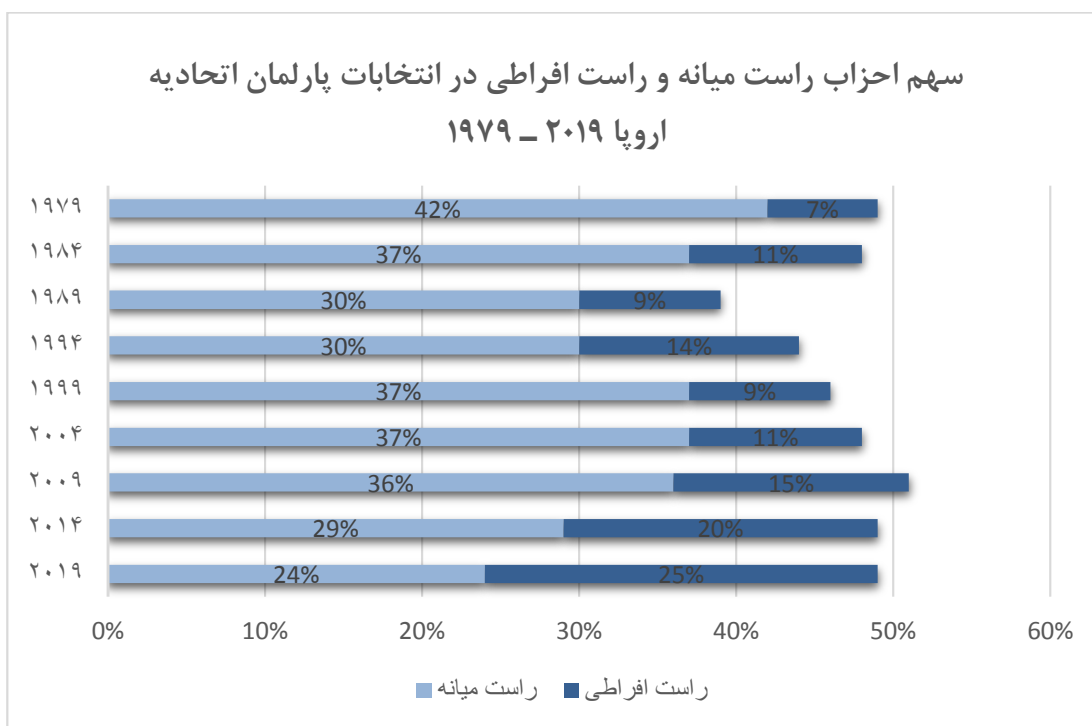
جدول شماره ۲: نتایج نهایی انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا به تفکیک گروه‌های سیاسی

حزب سیاسی	نتایج انتخابات برحسب تعداد کرسی (۲۰۰۹-۲۰۱۴)	نتایج انتخابات برحسب تعداد کرسی (۲۰۱۴-۲۰۱۹)	نتایج انتخابات برحسب تعداد کرسی (۲۰۱۹-۲۰۲۴)
حزب مردم اروپا	۲۶۵	۲۲۱	۱۸۲
اتحاد مترقی سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها برای اروپا	۱۸۴	۱۹۱	۱۵۴
اتحاد لیبرال‌ها و دموکرات‌ها برای اروپا	۸۴	۶۷	۱۰۸
سبزها/ اتحاد آزاد اروپا	۵۵	۵۰	۷۴
محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپایی	۵۴	۷۰	۶۲
چپ متحد اروپایی/ چپ سبز شمال	۳۵	۵۲	۴۱
گروه آزادی و دموکراسی اروپا	۳۲	۴۸	۷۳
اعضای غیروابسته	۲۷	۵۲	۵۷

Source: Election Results European Parliament: 2009 – 2019

جدول زیر نیز، عملکرد و سهم احزاب راست افراطی و راست میانه از اولین دوره انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا در سال ۱۹۷۹ تا آخرین دوره انتخابات در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد. بر اساس تجزیه و تحلیل مرکز تحقیقات پیو از نتایج انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا، سهم آرای احزاب راست افراطی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، روند افزایشی را تجربه کرده است. در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۹، راست افراطی حدود ۲۵ درصد از آرا را تصاحب کرد که نسبت به دو دوره قبل، عملکرد قابل توجهی را رقم زد؛ اما حزب راست میانه، در این دوره کاهش چشمگیری نسبت به دو دوره و حتی دوره‌های قبل داشت که نشان‌دهنده کاهش اکثریت احزاب جریان اصلی، در پارلمان اتحادیه اروپا است.

جدول شماره ۳: سهم احزاب جناح راست میانه و راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۱۹ – ۱۹۷۹



Source: www. Pew Research Center analysis of European Parliament election data, 2019

#### ۴. احزاب راست‌گرا و فرایند «امنیتی کردن» موضوع مهاجرت

به‌طور کلی، اروپا به‌عنوان یکی از مقاصد برتر جهان برای مهاجرت بین‌المللی، در سال‌های اخیر با سیل عظیمی از مهاجران روبرو شده که تأثیرات غیرقابل‌انکاری در جمعیت، فرهنگ و اقتصاد جوامع مقصد گذاشته است و چالش‌های عمده‌ای را برای سیاست‌های این کشورها در زمینه‌ی آموزش، فرهنگ و اشتغال فراهم آورده است. جریان پناهندگان به اروپا برای اولین بار در زمان جنگ سرد پس از آغاز درگیری‌های شدید (به‌ویژه در سومالی و یوگسلاوی سابق) تشدید شد. افزون بر این، جنگ در عراق، افغانستان و سوریه و هم‌چنین درگیری‌های خشونت‌آمیز در جنوب صحرای آفریقا باعث تحركات قابل‌توجهی از پناهندگان شده است، به‌طوری که چندین میلیون پناهجو تنها طی سال‌های ۲۰۱۶ – ۲۰۱۵ به اروپا مهاجرت کرده‌اند، به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، در اوج بحران موسوم به «بحران پناهندگان»، ۱,۳ میلیون مهاجر غیراروپایی وارد خاک اروپا شدند (Number of Refugees to Europe in 2015, 2016). در همین زمینه براساس نظرسنجی مؤسسه پیو<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۸، یک میانگین ۵۸ درصدی از ۱۰ کشور عضو

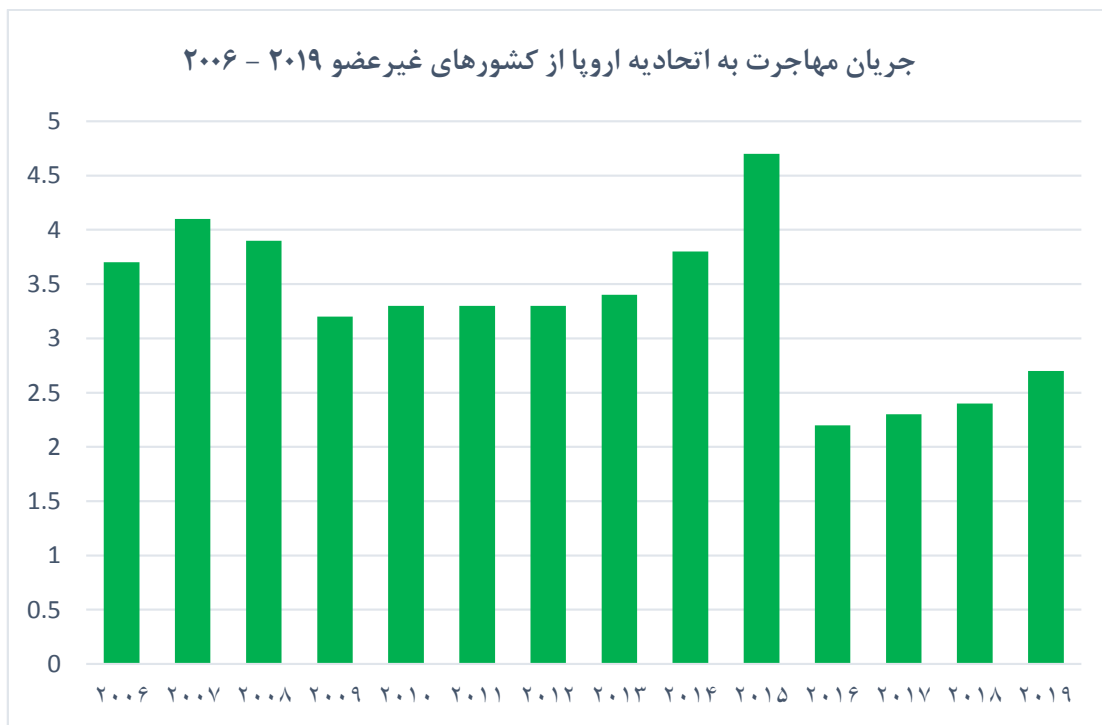
<sup>۱</sup>. Pew Research Institute

اتحادیه اروپا، مهاجرت را به‌عنوان یک مشکل اصلی و گسترده در کشورشان، معرفی می‌کنند (Connor & Krogstad, 2018).

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شاهد تغییر سرشت مهاجرت از پدیده اجتماعی به پدیده‌ای سیاسی و به‌ویژه امنیتی بوده‌ایم که موجبات تغییر نحوه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کشورهای میزبان اروپایی را فراهم ساخته و هم‌زمان نیز به قدرت‌یابی جریان‌های ضد‌مهاجرتی انجامیده است (Dancygier & Margalit, 2019:6).

مؤسسه تحقیقاتی استاتیستا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۲۲، مجموعه اطلاعات آماری در رابطه با عبور غیرقانونی مهاجران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتشر کرده است. براساس آمار گزارش شده توسط این شرکت تحقیقاتی، در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۴۱ هزار عبور غیرقانونی از مرزهای اتحادیه اروپا شناخته شد، در همین راستا بیشترین عبور ثبت‌شده در سال ۲۰۱۵ ثبت شده است که بیش از یک میلیون نفر مورد شناسایی قرار گرفته است (Illegal border crossings Europe, 2020).

نمودار شماره ۱: مجموع جریان‌های قانونی و غیرقانونی مهاجرت به کشورهای اتحادیه اروپا



Source: migration and migrant population statistics, 2019

<sup>۱</sup>. Statista Research Institute

همان‌گونه که بیان شد گفتمان ضد‌مهاجرت به همراه عناصر معنایی سازنده آن، به‌عنوان یکی از دال‌های مرکزی برنامه‌های انتخاباتی احزاب راست برای جلب مخاطب است. درواقع این احزاب از پدیده مهاجرت به‌عنوان یک موضوع سیاسی در جهت افزایش سهم انتخاباتی خود استفاده می‌کنند. حتی در کشورهایی با سطوح پایین مهاجرت مانند مجارستان، رهبرانی مانند ویکتور اوربان مهاجرت را به‌عنوان اصلی‌ترین خط‌مشی حزب خود قرار داده‌اند.

این احزاب، با استفاده از استراتژی‌هایی چون: «برجسته‌سازی موضوع مهاجرت به‌عنوان یکی از شکایات اعتراضی، امنیتی‌سازی آن و تبلیغات سیاسی در جهت عادی‌سازی گفتمان ضد‌مهاجرتی»، به جلب آرای مخاطبان خود می‌پردازند. در هر سه این موارد نوعی «برسازی از یک تهدید»<sup>۱</sup> وجود دارد که موجود یک ترس عمیق از مهاجران و مشکلات ناشی از آن‌ها در میان مخاطبان شده است، به این معنا که مهاجران تأثیرات منفی بسیاری بر شیوه زندگی بومیان دارند. براساس این فرایند که امنیتی شدن نام دارد موضوع مهاجرت از حوزه مسائل عادی و یا سیاسی خارج شده و وارد حوزه مسائل امنیتی می‌شود؛ بنابراین احساسات ضد‌مهاجر، پاسخی به یک تهدید قابل‌درک از سوی گروهی در خارج، به دلیل رقابت میان گروه‌ها برای منافع کمیاب مانند قدرت سیاسی، مشاغل یا مزایای رفاهی است. در این فرایند امنیتی شدن به مخاطب این‌گونه القا می‌شود که گروه مهاجران به‌عنوان یک گروه اقلیت، اکثریت جامعه را تهدید می‌کنند، در این میان، نکته قابل‌توجه آن است که لازم نیست تهدیدها واقعی باشند، کافی است که مردم آن‌ها را واقعی بدانند. به‌عبارت‌دیگر، مهم نیست مهاجران درواقع در حال رقابت برای مشاغل باشند یا نه تا زمانی که مردم فکر کنند این‌گونه است، واقعیت ذهنی واقعیت عینی را برمی‌سازد.

بر این اساس، رقابت می‌تواند بر سر مسائل ملموس مانند مسائل مسکن و بازار کار و همچنین کالاهای نامشهود مانند مسائل مذهبی یا زبانی رخ دهد؛ بنابراین در گفتمان ضد‌مهاجرت دو تهدید اصلی ساخته می‌شود: تهدید واقع‌بینانه که بعد اقتصادی و امنیتی دارد و تهدید نمادین که شامل هویت ملی، ارزش‌ها و تضاد فرهنگ‌ها است (Hjerm & Bohman, 2014:940).

از سوی دیگر امنیتی کردن مهاجرت به‌منظور کنترل جمعیت مهاجران و پیشگیری از سیاست چندفرهنگی و ادغام پاسخی به چالش‌های هویت ملی است. بر همین اساس، رهبران حزب راست افراطی با امنیتی کردن مهاجرت و تأکید بر حفظ و تداوم سازه‌های هویتی و ملی‌گرایی، توانسته‌اند آرا اقلیت ضعیف جامعه و آن‌هایی که از عملکرد جریانات اصلی ناراضی‌اند را با خود همراه کنند.

<sup>۱</sup>. The construction of threat



احزاب راست افراطی، مهاجران را در سه زمینه به‌عنوان یک تهدید می‌نگرند: در بعد فرهنگی، مهاجرت به‌عنوان تهدیدی برای همگونی و انسجام فرهنگی کشورهای پذیرای مهاجران مطرح است. باور عمومی بر این است که مهاجران نمی‌خواهند و نمی‌توانند در فرهنگ کشور میزبان جذب شوند و اغلب از مهاجران به‌عنوان «سونامی» یاد می‌شود. این نوع از بازنمایی تهدید در چهارچوب «دکترین قومیت‌گرا»<sup>۱</sup> است که بر اساس آن ترکیب قومیت‌های مختلف تهدیدی برای فرهنگ ملی است. برای ممانعت از انقراض فرهنگی، قومیت‌ها باید جداگانه نگاه داشته شوند (Rydgren, 2008).

در حوزه امنیتی، مهاجرت و جرائم همواره به یکدیگر پیوند داده می‌شوند. استدلال احزاب راست‌گرای افراطی این است که مهاجران غالباً به اقدامات مجرمانه روی می‌آورند. حوادث ۱۱ سپتامبر و پس‌از آن اقدامات تروریستی در لندن و مادرید باعث شد که مهاجرت به تروریسم پیوند بخورد. در حوزه اقتصادی، احزاب راست‌گرای افراطی معتقدند که مهاجران بار سنگینی بر دوش کشورهای اروپایی هستند و فرصت‌های شغلی را از چنگ شهروندان اروپایی خارج می‌کنند. آن‌ها بیکاری را در پیوند مستقیم با مهاجران می‌دانند (Mudde, 2012: 10). همچنین در پرتو اپیدمی کووید ۱۹، مهاجران به‌عنوان یک «تهدید بهداشتی»<sup>۲</sup> به تصویر کشیده می‌شوند. در طول موج اول همه‌گیری ویروس کرونا، روایت‌های زیادی در آلمان در مورد مهاجرانی که تحت پوشش قرنطینه به داخل کشور برده می‌شوند، منتشر شد. یک گزارش مشابه در کرواسی در مورد باز کردن مخفیانه مرزها برای مهاجران منتشر شد. در ایتالیا و اسپانیا، روایت‌هایی در ارتباط با مهاجران آلوده‌ای که گفته می‌شد وارد کشور شدند، ظاهراً از قرنطینه فرار کرده‌اند یا افسران پلیس را آلوده کرده‌اند، منتشر شد. همچنین در آلمان و بلژیک، در مورد مهاجرانی که قوانین قرنطینه را رعایت نمی‌کنند، گزارش شد (Szakacs & Bognar, 2021: 15).

بنابراین، احزاب راست مهاجران را به‌عنوان سوژه‌هایی بازنمایی می‌کنند که چهار کنش‌گری دارند: تهدیدی برای هویت قومیتی ملی هستند؛ به‌عنوان عامل اصلی جنایات و سایر ناامنی‌های اجتماعی هستند؛ عاملان بیکاری هستند و چهارم به‌عنوان سوءاستفاده‌کنندگان از سخاوت دولت‌های رفاه دموکراسی‌های غربی تلقی می‌شوند (Rydgren, 2008: 746).

به‌طور کلی، برای درک موفقیت احزاب راست افراطی، باید اهمیت عوامل «عرضه و تقاضا» را در کنار یکدیگر و به‌صورت توأمان درک کنیم. عوامل تقاضا عواملی چون ناامنی‌های متعدد از جمله فرهنگی، اقتصادی، شخصی و... است که ترجیحات رأی‌دهندگان را هدایت می‌کنند. درحالی‌که این ناامنی‌ها فرصت‌هایی را برای احزاب سیاسی فراهم می‌کنند، اما به‌خودی‌خود برای تضمین موفقیت

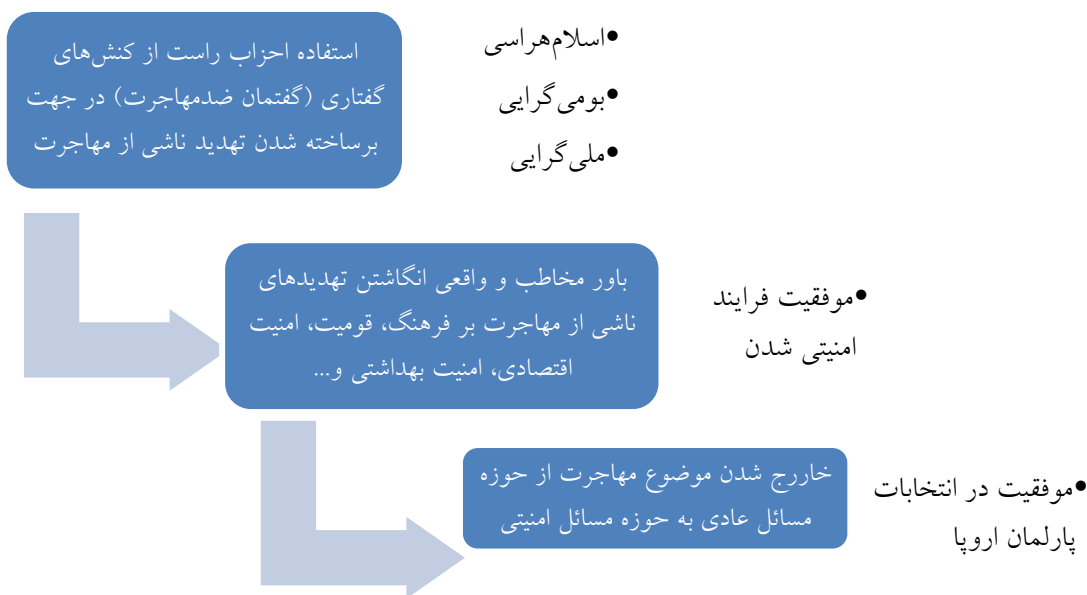
<sup>1</sup>. Ethnic doctrine

<sup>2</sup>. Health threat

یک حزب کافی نیست. عوامل عرضه پیام‌ها و کنش‌های گفتاری هستند که این احزاب برای مخاطب می‌گویند و انجام می‌دهند (Halikiopoulou, 2020).

مت گلد<sup>۱</sup> دانشمند علوم سیاسی در پژوهش خود به اثر متقابل عرضه و تقاضا در موفقیت انتخاباتی راست افراطی پرداخته است و بر تعامل ذاتی میان عرضه و تقاضا تأکید می‌کند. همان‌طور که گفته شد، عوامل موفقیت احزاب راست افراطی به‌طور مشترک توسط یک محور تقاضا و عرضه تعیین می‌شود. نارضایتی‌ها تقاضا برای احزاب راست افراطی ایجاد می‌کنند، در حالی که ویژگی‌های طرف عرضه، مانند ساختار فرصت‌های سیاسی و پیام‌هایی که آن‌ها به مخاطب منتقل می‌کنند، میزان تبدیل تقاضا به موفقیت راست افراطی را تعیین می‌کند. نکته مهمی که گلد<sup>۱</sup> در بررسی عوامل عرضه و تقاضا به آن اشاره می‌کند، این است که زمانی که طرف عرضه باز است، تقاضای بالا به موفقیت راست افراطی تبدیل می‌شود. وقتی طرف عرضه بسته است و بستر کافی برای فعالیت این احزاب وجود ندارد، تقاضای بالا موفقیت راست افراطی را ایجاد نمی‌کند. هم‌چنین زمانی که تقاضا کم است، هیچ موفقیتی در راست افراطی وجود ندارد، صرف‌نظر از اینکه طرف عرضه باز باشد یا بسته. در واقع، تقاضای بالا و عرضه باز هر دو برای موفقیت احزاب راست افراطی ضروری هستند (Golder, 2016).

#### شکل شماره ۲: فرایند امنیتی کردن موضوع مهاجرت توسط احزاب راست‌گرا



منبع: نویسندگان

<sup>۱</sup>. Golder

## نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش گفتمان ضد‌مهاجرت در موفقیت احزاب راست‌گرا در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا در سه دوره انتخاباتی ۲۰۰۹ - ۲۰۱۹ بود. در این پژوهش با کمک داده‌های مفهومی و تجربی به این نتیجه رسیدیم که علی‌رغم اینکه احزاب راست در تعاریف و دسته‌بندی‌های متنوعی جای می‌گیرند، آنچه همه این احزاب را به یکدیگر پیوند می‌دهد و متحد می‌سازد، گفتمان خصمانه آن‌ها، نسبت به مهاجران، اقلیت‌ها، چندفرهنگی، تنوع قومی و فرهنگی است. آن‌ها با استفاده از عناصر معنایی سازنده به گفتمان ضد‌مهاجرت از جمله بومی‌گرایی، اسلام‌هراسی و تأکید بر هویت‌های ملی به امنیتی‌سازی موضوع مهاجرت در نزد مخاطب می‌پردازند و نتایج انتخابات پارلمانی در این سه دوره حاکی از آن است که آن‌ها در این فرایند موفق بوده و مخاطب، تهدیدهای برساخته آن‌ها را باور کرده است. چراکه روایتی که احزاب راست افراطی در مورد مهاجرت دارند، ادراکات منفی مهاجران را در میان شهروندان اروپایی تشدید می‌کند.

نکته قابل توجه آن که برجستگی مهاجرت تا قبل از بحران موسوم به بحران مهاجران در سال ۲۰۱۵، یعنی در دو دوره انتخابات ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، معمولاً در کنار نگرانی‌های اقتصادی قرار می‌گرفت. به‌ویژه رکود اقتصادی در ۲۰۰۸، اقتصاد برخی از کشورهای عضو را به شدت تحت تأثیر قرار داد و آسیب‌پذیر کرد. از این‌رو، بحران اقتصادی، در پیشبرد گفتمان ضد‌مهاجرت و تهدید قرار دادن مهاجران به‌عنوان تهدیدی اقتصادی در دستور کار این احزاب قرار گرفت. مجارستان و یونان کشورهایی بودند که به شدت از بحران آسیب دیده بودند و احزاب راست‌گرای جوییک در مجارستان و طلوع طلایی در یونان، توانستند موفقیت‌های قابل توجهی را به دست بیاورند. عملکرد موفقیت‌آمیز انتخاباتی احزاب راست در کشورهایی که کمتر از بحران اقتصادی آسیب دیده بودند و سطح پایینی از نرخ بیکاری را تجربه می‌کردند، با این منطق، قابل استدلال است که احزاب راست در این کشورها، مهاجران و اقلیت‌ها را به دلیل برخورداری از مزایای اجتماعی، باری بر دوش دولت‌های رفاه خود می‌دانند و آن‌ها را تهدیدی علیه پایداری دولت‌های رفاه تلقی می‌کنند. از این‌رو، احزاب راست با رویکردهای بومی‌گرایانه و پوپولیستی خود، مشکلات اقتصادی را در قالب‌های فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه در کشورهایی که کمتر در معرض آسیب‌های اقتصادی قرار گرفتند، طرح‌ریزی می‌کنند.

از سوی دیگر، بررسی داده‌های انتخاباتی اتحادیه اروپا در سه دوره اخیر نشان می‌دهد در برخی از کشورها، حمایت از احزاب راست با کاهش نسبت به دوره قبل، همراه بوده است. این نوسان حمایت انتخاباتی در برخی از احزاب، به دلایل متعددی هم‌چون، ظهور یک حزب راست جدید با گفتمان

محدودکننده و سخت‌گیرانه‌تری نسبت به سایر احزاب، یا اتخاذ مواضع افراطی در مورد موضوع مهاجرت توسط احزاب راست میانه و در مواردی نیز اختلافات و فساد درون‌حزبی بوده است. امید است این پژوهش به درک مخاطبان این حوزه از مسئله مهاجرت و نقشی که گفتمان ضد‌مهاجرت در تقویت احزاب راست اروپایی داشته است، کمک نماید و مسیر را برای پژوهش‌های آتی در ایران باز نماید.

## منابع و مآخذ

### فارسی:

- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۱)، احزاب راست در اروپای امروز و روند همگرایی، در کتاب اروپا (۱۱)، تهران: ابرار معاصر.
- بوزان، بری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم: موسسه مطالعات راهبردی. تهران: مطالعات راهبردی

### انگلیسی:

- Anastasakis, Othon (2000), "Extreme Right in Europe: A Comparative Study of Recent Trends". **Discussion Paper** No.3
- Buzan, Barry and Ole Waever and J Wilde (1998), **Security: A New Framework for Analysis**. London: Lynne Rienner.
- Connor, Phillip; Krogstad Jens Manuel (2018), "Many worldwide oppose more migration \_both into and out of their countries". **Pew Institution**, Available at: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2018/12/10/many-worldwide-oppose-mre-migration-both-into-and-out-of-their-countries>.
- Dancygier, Rafaela and Margalit, Yotam (2019), "The Evolution of the Immigration Debate: Evidence from a New Dataset of Party Positions Over the Last Half-Century". **Comparative Political Studies**. Vol 1, No (41).
- Eatwell, Roger and Cass Mude (2004), **Western Democracies and the New Extreme Right Challenge**. London: Routledge.
- Bressanelli, Edoardo, (2012). "National Parties and Group Membership in the European Parliament: Ideology or Pragmatism?", **Journal of European Public Policy**, Vol 19, Issue 5, pp:737-754.
- Migrant Integration Index, (2019), "Migration and migrant population statistics", Available at: <https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php>.
- Giusto, Hedwig (2013). **The Changing Faces of Populism: Systemic Challengers in Europe and the U.S.** London: Lexington Books
- Goodwin, Matthew (2011). "Right Response Understanding and Countering Populist Extremism in Europe". **Chatham House**, Available at:

www.chathamhouse.org.

- Golder, Matt (2016), “Far Right Parties in Europe”, **Review of Political Science**, <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-042814-012441>.
- Griffin, R (2000), “Interregnum or endgame? The radical right in the post- fascist era”, **Journal of Political Ideologies**. Vol 5, Issue 2. pp 163-178.
- Guibernau, Montserrat (2010), “Migration and the rise of the radical right; Social malaise and the failure of mainstream politics”, **Center for Global Governance**, Available at: <https://esquerra.europa.files.wordpress.com/2012/02/migrationandradicalright.pdf>.
- Halikiopoulou, Daphne (2020). “Economic Crisis, Poor Governance and the rise of Populism: The Case of Greece”. **Forum**. Vol 55, N (1). Pp. 34-37
- Hainsworth, P. (2008). **The Extreme Right in Western Europe**. London: Routledge Press.
- Hjerem, M and Bohman, A (2014). “How the Religious Context Affect the Relationship between Religiosity and Attitude towards Immigration”. **Ethnic and Radical Studies**, Vol 37, No (6). pp: 937-957.
- Ignazi, Piero (1995), “The Re-emergence of the Extreme Right in Europe”, **Reihe Politikwissenschaft**, Available at: [https://www.ihs.ac.at/publications/pol/pw\\_21.pdf](https://www.ihs.ac.at/publications/pol/pw_21.pdf).
- Michaels, Walter Benn (1995). **Our America: Nativism, Modernism, and Pluralism**. Durham, NC: Duke University Press.
- Mohammadi, Mohammad Javad, Nourbakhsh, S Nader (2017). “Examining the Social Basis of the Far-right Parties in Europe”. **World Sociopolitical Studies**, Vol 1, Issue 1.
- Mudde, Cas (1999). “The single-issue party thesis: Extreme right parties and the immigration issue”. **West European Politics**. Vol 22, Issue 3.
- Mudde, Cas (2010). “The Populist Radical Right: a pathological normalcy”. **Western European Politics**. Vol 33, Issue (10), 1167-1186.
- Mudde, Cas (2012). “The Relationship Between Immigration and Nativism in Europe and North America”. **Migration Policy Institute**. In <https://www.migrationpolicy.org/pubs/Immigration-Nativism>.
- Pew Research Center (2019) “Number of Refugees to Europe”, in <https://www.pewresearch.org/global/2016/08/02/number-of-refugees-to-europe-surges-to-record-1-3-million-in-2015/>.
- Ratkovic, Milijana (2017), “Migrant crisis and strengthening of the right wing in the European Union”, **Research Gate**, in <https://www.ingentaconnect.com/content/10.5937/MegRev1703047R>.
- Rydgren, J (2008). “Immigration sceptics, xenophobes or racists? Radical right-wing voting in six West European countries”. **European Journal of Political Research**. Vol 47, Issue 6, pp 737-765.
- Statista Institution, (2020), “Illegal border crossings Europe 2020”, Available at: <https://www.statista.com/statistics/454775/number-of-illegal-entries-between-beps-to-the-eu/>.
- Szakacs, Judit and Eva Bogner (2021). “The impact of disinformation campaigns about migrants and minority groups in the EU”, **TEPSA**, Available at:

<https://www.tepsa.eu/the-impact-of-disinformation-campaigns-about-migrants-and-minority-groups-in-the-eu-judit-szakacs-and-eva-bognar>.

- Taggart, Paul (2003), "The Populist Turn in the Politics of the New Europe", **Archive of European Integration**, Available at: <http://aei.pitt.edu/2962/>.
- Tasci, Deniz (2019). "The Rise of Right-Wing Populism in Europe: What are the primary reasons for the rise of right-wing populism in Europe?". **Research Gate**, Available at: <https://www.researchgate.net/publication/338490815>.
- Van Hecke, S (2010). "Do transnational party federations matter? and why should we care?". **Journal of Contemporary European Research**. Vol 6 (3), Available at: <https://doi.org/10.30950/jcer.v6i3.198>.
- Weaver, O (1996) **Securization and Desecurization, On Security**, New York: Columbia University Press.
- Wodak, R (2013), **Right-Wing Populism in Europe: Politics and Discourse**. London: Bloomsbury.